

معناشناسی تصریف آیات و رابطه آن با تکرار در قرآن

با محوریت آیه ۸۹ اسراء و آیه ۱۱۳ طه

مصطفی محمودی صاحبی *

محمدعلی مجد فقیهی **

چکیده

در قرآن کریم بسیاری از الفاظ و مفاهیم تکرار شده است. برخی از خاورشناسان و مخالفان، تکرارهای قرآنی را مورد طعن قرار داده و آن را عیبی برای قرآن تصور کرده‌اند و تکرار در قرآن را لغو و در تعارض و ناسازگاری با فصاحت و بلاغت و اعجاز دانسته‌اند، اما با توجه به آیات «تصریف در قرآن» مانند آیه ۸۹ سوره اسراء: «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا» و آیه ۱۱۳ سوره طه «وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا» و بررسی دیدگاه‌های ادیبان و مفسران و معناشناسی تصریف قرآن، روشن می‌گردد که مقصود از تصریف در قرآن، تکرار مفاهیم و معانی در اسلوب‌ها و بیان‌های گوناگون و تبیین یک موضوع با گرداندن آن از حالی به حال دیگر است که برای هدایت، پندپذیری، تدبیر و تعقل انسان‌ها و انگیزه‌های دیگر انجام پذیرفته است. تصریف و تکرار در مفاهیم و معانی قرآنی یکی از فنون بلاغی و وجهی از وجوه اعجاز قرآن است.

واژگان کلیدی

آیه ۸۹ اسراء، آیه ۱۱۳ طه، تکرار در قرآن، تصریف آیات، اعجاز قرآن.

mahmoodi@theo.usb.ac.ir

m110faghihi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۶

* دانشجوی دکتری قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول).

** عضو هیئت علمی دانشگاه معارف اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۳

طرح مسئله

در قرآن کریم الفاظ و مفاهیم، بسیار تکرار شده است. دامنه تکرار در قرآن گسترده بوده و در حوزه‌های: معرفتی و اعتقادی، اخلاقی و رفتاری و قصص انبیاء به چشم می‌خورد. برخی از خاورشناسان و مخالفان قرآن، تکرارهای قرآنی را مورد طعن قرار داده و آن را عیبی برای قرآن تصور کرده‌اند. آنها به پندار خویش انواع تکرار در قرآن را لغو، ملال‌آور و در تعارض و ناسازگاری با فصاحت و بلاغت و اعجاز دانسته و تکرار را موجب اضطراب و تزلزل در اسلوب شمرده‌اند. (رضوان، ۱۴۱۳: ۲ / ۶۷۶؛ خطیب، ۱۳۹۶: ۲۳۰؛ بلاشر، ۱۳۷۴: ۳۰۲؛ سالم الحاج، ۲۰۰۲: ۱ / ۲۶۸)

آنها در مسئله تکرار آیات و قصص چنین ادعا کردند که تکرار در قرآن به قدری زیاد است که اگر آیات مکرر از قرآن حذف گردد دیگر چیزی جز یک جزوه کم حجم از آن باقی نمی‌ماند: «وَأَدْعُوا الْقرآنَ إِذَا حُذِفَ مِنْهُ الْمُكْرَرُ لَمْ يَبْقَ مِنْهُ إِلَّا مَا يَمْلَأُ كِرَاسَةَ وَاحِدَةً». (زقروق، ۱۴۲۳: ۷۶)

وجود تکرار در قرآن انکارناپذیر است؛ جمعی از قرآن‌پژوهان و مفسران تصریح به این موضوع نموده‌اند. (زرکشی، ۱۴۱۰: ۳ / ۱۱۰ - ۹۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۰۲؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۲ / ۱۱۱؛ سید مرتضی، ۱۴۰۳: ۱ / ۱۲۳؛ قاضی عبدالجبار، بی‌تا: ۱۶ / ۳۹۸)

حال سؤال این است که آیا تکرار در قرآن در تعارض با فصاحت و بلاغت و اعجاز است؟ آیا تکرارهای قرآنی لغو و ملال‌آور و موجب اضطراب و تزلزل در اسلوب بیانی است؟ مقصود از تصریف آیات در قرآن چیست؟ گرچه بررسی جامع و کامل این مسئله خود نیازمند مقاله و مقوله‌های دیگر است اما در این مقاله با بهره‌مندی از آیات مربوط به تصریف در قرآن (تصریف الآیات) و معناشناسی تصریف قرآنی از منظر مفسران و بلیغان و از دریچه رابطه تصریف القول و تکرار سخن، به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود.

مفهوم‌شناسی

۱. تصریف

صَرف در لغت به معنای بازگرداندن چیزی از حالتی به حالتی یا تبدیل چیزی به چیز دیگر است و «تصریف» همان معنای صَرف را دارد با این تفاوت که تصریف تکثیر را نیز افاده می‌کند و تصریف الکلام و تصریف القول نیز از همین باب است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ذیل واژه صرف) در تعریف «تصریف قرآنی» گفته‌اند:

تصریف آیات عبارت است از تنوع بخشیدن و ارائه آن به روش‌ها و صورت‌های گوناگون بر حسب سیاقی که آن آیات در آن واقع شده‌اند؛ همچنین تنوع بخشیدن به معانی و

اسلوب‌ها و انتقال از یک‌معنا به‌معنای دیگر و از یک اسلوب به اسلوب دیگر و نیز تفنّن در ادای یک‌معنا با الفاظ و طرق متعدد را تصریف آیات گویند که قرآن کریم این شیوه را برای بیان اصول عقیده و ارائه ادله آن و نیز بیان قصص و أمثال و ترغیب و ترهیب و وعد و وعید و دیگر موضوعات به‌کار برده است. (دائرة المعارف قرآن، ۱۳۸۲: ۸ / ۵۶۷) تصریف و تغییر سبک سخن، از اقسام بلاغت و از ویژگی‌های سبک قرآنی و یکی از فنون اعجاز است. (نقراط، ۱۴۲۲: ۴۰)

۲. آیات

«آیات» جمع آیه به‌معنای علامت، نشانه، عبرت، دلیل، معجزه و ... است و به قسمتی از کلمات قرآن که از محلّی آغاز و به مقطعی ختم می‌شود، آیه گویند؛ زیرا که آن از نشانه‌های خدای متعال است و بشر از آوردن نظیر آن عاجز است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ذیل واژه آیه)
این معانی لغوی در قرآن نیز به‌کار رفته‌اند:

در «سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ» (بقره / ۲۱۱) مراد از آیه معجزه است و در «إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ» (بقره / ۲۴۸) به‌معنای دلیل است و در آیه «مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ» (آل عمران / ۷) و «تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ» (جاثیه / ۶) مقصود آیات قرآن است.

در معنای اصطلاحی آیه گفته‌اند:

قطعه‌ای از قرآن است که در سوره‌ای واقع شده و شروع و پایانی دارد و از چند جمله یا کلمه - گرچه برخی در تقدیر باشند - تشکیل شده است. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱ / ۲۳۲)

۳. تکرار

«تکرار» به فتح تاء مصدر غیرقیاسی از باب تفعیل است. «كَرَّرَ الشَّيْءَ تَكَرَّرًا وَتَكَرَّرًا» به‌معنای باز آوردن دوباره یک چیز است و این معنا هم در لفظ جاری می‌گردد و هم در عبارت. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵ / ۱۳۵) تکرار در اصطلاح علم بلاغت عبارت است از: ذکر چیزی برای بار دوم یا بیشتر به جهت اغراض خاص. (هاشمی، ۱۴۱۴: ۱۸۳) و در قرآن نیز یکی از اسلوب‌های بلاغی به‌شمار می‌آید و ناظر به آیاتی است که لفظ، عبارت و یا معنا و مفهومی از آن در آیات دیگر به‌نحوی تکرار شده است، چه کم باشد یا زیاد، تکرار با عین همان لفظ و عبارت باشد یا با اختلافی اندک، در یک آیه یا سوره و یا در سوره‌های دیگر باشد. (زرکشی، ۱۴۱۰: ۳ / ۹۶)

آیات تصریف در قرآن

در قرآن کریم آیاتی به موضوع تصریف در قرآن اشاره دارد که از ده مورد فراتر است و به مناسبت‌های گوناگون و با اختلافاتی جزئی و شبیه به یکدیگر نازل گردید. در میان این آیات دو آیه که از ویژگی خاصی برخوردارند و به موضوع بحث این مقاله ارتباط بیشتری پیدا می‌کنند برگزیده و محور بحث قرار می‌گیرند.

یک. آیه ۸۹ سوره اسراء

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا.

و ما در این قرآن هر حقیقت را برای مردم گوناگون بیان کرده‌ایم، ولی بیشتر مردم جز کفران نکردند.

دو. آیه ۱۱۳ سوره طه

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحَدِّثُ لَهُمْ ذِكْرًا.

و این‌گونه آن را قرآنی عربی (فصیح و گویا) نازل کردیم و انواع وعیدها (و انذار) را در آن بازگو نمودیم، شاید آنها تقوا پیشه کنند، یا برای آنان تذکری ایجاد نماید.

آیه نخست به دلیل قرار گرفتن در سیاق آیه «تحدی» و آیه دوم به جهت تصریح به «عربیت» و فصاحت قرآن، برگزیده شدند. این دو آیه و آیاتی همانند آن به موضوع تصریف در قرآن اشاره دارند. به بیان دیگر: آیات تصریف به نوعی با تصریف آیات و مسئله تکرار در قرآن ارتباط می‌یابد. یکی از موضوعات اساسی و از ابزارهای مهم پیام‌رسانی قرآن «تصریف» در کلام است. تصریف که یکی از فنون ادبی و بلاغی در زبان عربی است از دیدگاه مفسران و بلاغیان مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرد تا روشن گردد که چه رابطه‌ای بین آیات تصریف و تصریف آیات وجود دارد و نیز چه ارتباطی بین تصریف در قرآن و تکرار وجود دارد.

فرضیه ما در این مقاله این است که خدا حکیم است «فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (بقره / ۲۰۹) و قرآن را نیز حکیم معرفی فرمود: «يَس * وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ» (یس / ۱ و ۲) «الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ» (یونس / ۱) پس قرآن از بیهوده‌گویی به دور بوده و هدفمند سخن می‌گوید و آنچه به‌ظاهر تکرار می‌نماید، اهدافی خاص را تعقیب می‌کند.

در این پژوهش تلاش می‌گردد تا با استدلال و با استعانت از آیات تصریف و دیدگاه ادیبان و مفسران به توجیه علمی، منطقی و تربیتی تکرار در قرآن پرداخته شود. و در این رهگذر پاسخی محکم به مخالفان و خاورشناسان که وجود تکرار در قرآن را ناسازگار با اعجاز بیانی و در تعارض با کلام فصیح و بلیغ پنداشتند، داده شود.

تصریف یکی از فنون و صنایع ادبی و بلاغی در قرآن

تصریف کلام و تغییر سبک سخن، یکی از اقسام بلاغت و از ویژگی‌های سبک قرآنی است و یکی از فنون اعجاز به‌شمار می‌آید. (باقلائی، ۱۴۲۱: ۱۶۷ و ۱۷۱؛ زرقانی، بی‌تا: ۲ / ۲۱۸؛ کرمانی، بی‌تا: ۱۰۱) محمد ابوزهره، تصریف را یکی از فنون بلاغت شمرده و می‌نویسد:

روش‌های نویسندگان، شاعران و سخنوران، گوناگون است اما هریک از آنها تنها در یک روش تخصص و تبحر دارند و در روش‌های دیگر ضعیف ظاهر می‌گردند و اگر بخواهند یک موضوع و مفهوم را به دو یا چندگونه مطرح نمایند که هم همان معنا را افاده نماید و هم تکرار نباشد، نمی‌توانند و گونه‌های بعدی سخن قطعاً فصاحت و بلاغت مورد اول را نخواهد داشت، اما قرآن کریم که معجزه‌ای فراتر از توان بشری است بلاغت و فصاحت آن در همه گونه‌های سخن در یک موضوع، اعجاز می‌کند، از این رو تصریف و گوناگونی سخن در یک مفهوم، خود یک معجزه است که از توان بشر خارج می‌باشد و آیات تصریف در قرآن و تصریف آیات در آن گواه بر این مسئله است. (ابوزهره، ۱۳۷۹: ۱۸۸ با اندکی تصرف)

تصریف در قرآن کریم دو قسم است: یکی در معانی و دیگری در الفاظ و اسلوب‌ها. تصریف در الفاظ عبارت است از گرداندن یک لفظ به صورت‌های مختلف که ده‌ها لفظ و صیغه از آن حاصل می‌گردد، اما تصریف در معانی، گرچه در مجموع، مقصود و معنا یکی است، اما از نظر هدفی که دنبال می‌شود، مختلف است، مثلاً یک داستان مانند سرگذشت حضرت نوح علیه السلام در قرآن، در موارد مختلفی ذکر شده است، اما در هر مورد، هدف و درس خاصی در نظر است و این معنای «تصریف معانی» است، خواه الفاظ با هم مغایر یا نزدیک به هم و یا در برخی از موارد مثل هم باشند. (همان: ۱۹۱) از نمونه‌های تصریف معانی و مفاهیم در قرآن می‌توان به تصریف در مباحث اعتقادی همانند مبدأ و معاد، مسائل عملی و عبادی، موضوعات اخلاقی و رفتاری و قصص انبیاء اشاره کرد، که البته بیشترین تصریف یا همان تکرار در داستان‌های پیشینیان صورت پذیرفته است به گونه‌ای که یک داستان با الفاظ و تعبیر گوناگون و متفاوت در سوره‌های متعدد و با سبک‌های مختلف ارائه شده است.

رابطه تصریف و تکرار از دیدگاه ادیبان و بلاغیان

زمخشری واژه و اصطلاح «تصریف» را معادل و مترادف «تکرار» می‌داند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۶۹۲) عبدالله نقرات معتقد است آنچه در قرآن وجود دارد تکرار حقیقی نیست، بلکه «تصریف قول» است. او پیشنهاد می‌کند اصطلاح «تصریف قول» به جای «تکرار» به کار برده شود؛ زیرا خدای متعال نیز از

واژه تکریر یا تردید استفاده نکرده، بلکه فرموده است: «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكُرُوا» (نقراط، ۱۴۲۳: ۴۰) و واژه تصریف را برای بیان‌های گوناگون از یک‌معنا، به‌کار برد.

بنت الشاطی نیز می‌نویسد:

تکرار از مقوله «تصریف قول» است که نوعی از اقسام بیان مورد نظر قرآن کریم است. (بنت الشاطی، ۱۳۷۶: ۱۹۷)

سیوطی یکی از فواید تکرار را تقریر و تثبیت کلام در نزد مخاطب دانسته و می‌نویسد:

هرگاه سخن تکرار شود «تقریر» می‌گردد و خدای تعالی سبب تکرار قصه‌ها و هشدارهای قرآن را در قالب تصریف چنین توجه داد: «وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا». (طه / ۱۱۳)

به‌هرحال می‌توان گفت:

اصطلاح تکرار و تصریف، هر یک جایگاه خود را دارند و وجوه مشترک و حوزه افتراقی میان آن دو وجود دارد. تصریف قول، اصطلاحی قرآنی و ناظر به بیان یک اندیشه و محتوا در قالب‌های گوناگون است؛ بنابراین شاید موردی را که عین لفظ بازگو شود در بر نگیرد اما زمانی که از دریچه ادبیات به تکرارهای قرآن می‌نگریم ناچار از کاربرد اصطلاح تکرار هستیم. (خرقانی، ۱۳۸۸: ۷۸)

بنابراین به‌کار بردن واژه تکرار در مورد قرآن از روی تسامح است و تکرار محض مراد نیست. با این بیان می‌توان گفت که تکرار و تصریف به‌دلیل وجوه اشتراک زیاد بین این دو و با اندکی تسامح، مترادف بوده و به‌جای یکدیگر به‌کار می‌روند. این موضوع در گفتار جمعی از مفسران نیز به‌خوبی تبیین گردیده و در بحث معناشناسی تصریف قرآنی از دیدگاه مفسران به تفصیل سخن خواهد رفت.

معناشناسی تصریف در قرآن از نگاه مفسران

با مراجعه به تفاسیر در ذیل تفسیر آیات تصریف، دیدگاه‌های متعددی مطرح است اما آنچه که مورد توافق همه یا بیشتر آنان است معنای: «تکرار و تنوع در یک امر» است. آنچه در مفهوم واژه و اصطلاح تصریف در نگاه مفسران اهمیت دارد - هرچند که تصریف به‌معنای حقیقی تکرار نیست و صبرورت امر با تکرار آن متفاوت است - این است که بیان یک موضوع یا مفهوم، به شکل‌های متعدد، حالتی از تکرار را به ذهن تداعی می‌کند، به‌همین دلیل مفسران در معنا و تفسیر «تصریف آیات در قرآن» آن را به تکرار، معنا نموده‌اند.

اینک به بررسی دیدگاه‌های مفسران در معناشناسی «تصریف در قرآن» پرداخته می‌شود:

۱. امین‌الاسلام طبرسی

شیخ طبرسی در تفسیر مجمع البیان در تبیین و معنای تصریف در موارد متعددی سخن می‌گوید. وی در تفسیر «لقد صرّفنا...» در آیه ۴۱ سوره اسراء می‌نویسد:

خدا بر مشرکان و کافران مکه چنین استدلال فرمود که ما دلایل توحید را بر آنان تکرار کردیم و معانی آن را تفصیل دادیم و نمونه‌هایی از داستان پیشینیان را که موجب عبرت‌پذیری بود در قرآن آوردیم تا پند گیرند و در آنها بیندیشند. ایشان تصریح می‌کند که مراد از «صرّفنا» کرّنا است. (طبرسی، ۱۴۰۸: ۶ / ۶۴۴)

همو در تفسیر این واژه در آیه ۸۹ سوره اسراء تصریف را بدین‌گونه تفسیر می‌نماید:

خدا می‌فرماید: ما هشدارهای خود را به شکل‌های گوناگون و با الفاظ و تعبیرهای متعدد تبیین و تکرار کردیم و آنچه که سبب پنددهی به شما و عبرت‌پذیری‌تان گردد در قرآن تجدید و تکرار نمودیم. (همان: ۷ / ۵۱)

ایشان در تفسیری دیگر از تصریف آیات در قرآن می‌نویسد:

مراد از «صرّفنا الآیات» تغییر و تبدیل آیات الهی به صورت‌ها و شکل‌های متنوع همانند: معجزه، هلاک ساختن، یادآوری نعمت‌ها و عذاب‌ها، توصیف نیکان و گناهکاران و ... است. (همان: ۹ / ۱۳۸ و ۴ / ۴۶۹)

سپس در یک نتیجه‌گیری کلی از تصریف و تکرارهای قرآنی می‌نویسد:

دلیل و حکمت تصریف و تکرار در آیات و موضوعات قرآنی، از بین بردن شبهه‌هایی است که پیرامون حق پدیدار گشته است، تا بدین‌وسیله حق آشکار و باطل محو گردد. (همان: ۴ / ۴۸۸)

۲. سید محمود آلوسی

آلوسی در تفسیر روح المعانی در معنای تصریف در آیه: «ولقد صرّفنا فی هذا القرآن» می‌نویسد:

تصریف، یعنی زیاد تغییر دادن و گرداندن یک چیز از حالتی به حالت دیگر و مراد از «صرّفنا» این است که معانی مورد نظر را با تعبیرهای گوناگون و تقریرهای متعدد در سوره‌های قرآن بازگو می‌کنیم.

ایشان سپس در حکمت تصریف و تکرار در قرآن می‌افزاید: «تکرار الفاظ و معانی موجب اذعان و پذیرش آن می‌گردد و اطمینان و آرامش درون را در پی دارد.» (الوسی، ۱۴۱۵: ۸ / ۸۰ - ۷۹) و تصریح می‌کند که معنای «صِرْفًا» همان «کَرْنًا» است و تصریف در قرآن به معنای تکرار در الفاظ و معانی است. (همان: ۱۳ / ۱۸۶)

۳. عبدالله بن عمر بیضاوی

عبدالله بن عمر بیضاوی در *انوار التنزیل*، بعد از نقل معنای لغوی واژه تصریف که همان تغییر و تبدیل چیزی از حالی به حال دیگر و از جهتی به جهت دیگر است در معنا و مقصود آیه مورد بحث، می‌نویسد:

مقصود از تصریف در قرآن تبیین و تکرار معانی آیات آن است که در انواع گوناگونی از وعده‌ها و وعیدها، قصص انبیاء، ضرب‌المثل‌ها، موعظه‌ها و اخلاقیات، احکام شرعی و ... صورت پذیرفت و غرض از تکرار آنها پندپذیری و عبرت‌آموزی مشرکان و گمراهان است تا از این رهگذر - و با تکرارهای فصیح و اعجازین - باور کنند که این قرآن و آیات متنوع آن همگی از سوی پروردگار جهانیان برای هدایت به سوی حق و پیمودن راه صحیح و استوار است. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۸ / ۳۵۸)

۵. محمد جمال‌الدین قاسمی

از تتبع در تفسیر *محاسن التأویل* چنین به دست می‌آید که معنای تصریف در قرآن تکرار بیان معانی به وجوه متعدد و تنوع‌بخشی در پیام‌رسانی قرآن است. (قاسمی، ۱۴۱۸: ۶ / ۴۶۳، ۷ / ۴۴) وی حکمت تکرارها و تصریف‌های قرآنی را تقریر و تثبیت و رسوخ معانی در نفوس می‌داند. (همان: ۶ / ۵۱۲)

۶. فخرالدین رازی

فخر رازی که در تفسیر آیات قرآن احتمالات گوناگون را در تفسیر آیات و کلمات مطرح می‌کند بعد از بیان معنای لغوی و واژگانی تصریف، در تفسیر و مقصود تصریف در قرآن می‌نویسد:

تصریف معنای کنایی دارد و کنایه از تبیین معانی با وجوه متعدد است؛ زیرا کسی که مطلبی را به صورت‌های مختلف بیان می‌کند و سخنش را از نوعی به نوع دیگر تغییر می‌دهد و از حالتی به حالت دیگر تبدیل می‌کند در صدد تکمیل روشنگری مقصود و تقویت بیان آن است. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۰ / ۳۴۶)

وی در جای دیگر در تفسیر آیه مورد بحث (اسراء / ۸۹) می‌نویسد: سه احتمال در معنای «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ» وجود دارد:

یکم: مراد از تصریف در قرآن تحدی و هم‌اوردطلبی باشد؛ زیرا آیه تصریف بعد از آیه تحدی ذکر شده است و در کنار هم قرار گرفتن آیه تحدی و آیه تصریف، حکایت از اعجاز بیانی قرآن دارد به‌گونه‌ای که مشرکان پس از شنیدن آیات قرآن و اعتراف به عجز و ناتوانی خود در آوردن مثل آن، همچنان بر کفر و شرک خود پای فشردند.

دوم: مقصود از «صَرَّفْنَا» این است که خدای متعال مشرکان را نسبت به سرگذشت و نابودی اقوام پیشین همانند قوم نوح، عاد، ثمود و... که بر کفر خویش اصرار داشتند چگونه آنها را به انواع بلاها و عذاب‌ها گرفتار کرد و آنگاه خدا این داستان‌ها را به‌صورت‌های گوناگون و در زمان‌های مختلف برای مشرکان مکه تشریح و تکرار فرمود؛ اما باز همچنان از این بیان‌های متنوع و مکرر سودی نبردند و بر کفر و لجاجت خویش اصرار ورزیدند.

سوم: ممکن است مقصود «صَرَّفْنَا» این باشد که خدا، ادله توحیدی و نفی شرک را مکرر در قرآن بیان فرمود و هرگاه منکران نبوت، در توحید و نبوت پیامبر اسلام ﷺ تشکیک و تردید ایجاد می‌کردند خدا هم ادله توحید و نبوت را با بیان‌های گوناگون تکرار می‌فرمود، اما آنان پیوسته بر این انکار پافشاری می‌کردند. (همان: ۲۱ / ۴۰۷)

فخر رازی در هر سه احتمال، بر رابطه معنایی تکرار و تصریف تأکید دارد و می‌نویسد:

تصریف در کلام، تکرار آن را می‌طلبد و خداوند هم در پاسخ به شبهه‌های آنان، موضوع را به وجوه و اسلوب‌های کثیر و متعدد تکرار و تبیین فرمود. (همان)

۷. عبدالکریم خطیب

عبدالکریم خطیب از مفسران و قرآن‌پژوهان مصری قرن اخیر می‌نویسد:

تصریف، ارائه دادن یک امر در شکل‌های گوناگون است به‌صورتی که آن امر ظهور کامل یابد و معنا و مقصود آن وضوح آشکار یابد.

وی در حکمت تصریف در قرآن می‌نویسد:

در قرآن موارد فراوانی یافت می‌شود که اموری بر عقل انسان عرضه می‌گردد و قرآن آن را به‌صورت‌های گوناگون ارائه می‌کند تا حقیقت امر بر انسان‌ها مکشوف گردد و دلیل

آن این است که خدا می‌خواهد حجت را بر مردم تمام کند تا مردم هیچ حجتی بر خدا نداشته باشند و از یک موضوع به شیوه‌ها و اسلوب‌های مختلف بیان و تکرار می‌کند. (خطیب، بی‌تا: ۴ / ۲۵۵؛ ۸ / ۴۹۱)

۸. سید محمدحسین طباطبایی

سید محمدحسین طباطبایی که در تفسیر *المیزان* از سیاق آیات و سوره‌ها بهره وافری برده است و از بحث‌های واژگانی نیز فروگذار نکرده است در معنای آیه مورد بحث بعد از نقل معنای واژه تصریف می‌نویسد:

به شهادت سیاق آیه، معنای جمله «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكُرُوا» این خواهد شد که: گفتار در پیرامون مسئله توحید و نفی شریک را در این آیه قرآن به چند گونه تغییر و تبدیل کردیم و هر بار با بیان دیگری غیر از بیان قبلی استدلال نمودیم، هر دفعه لحن آن را عوض کردیم، عبارت‌ها عوض شد بیان‌ها مختلف گردید بلکه مشرکان به فکر بیفتند و متذکر شوند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳ / ۱۰۵)

ایشان در ادامه می‌افزاید:

تصریف به معنای برگرداندن و دوباره آوردن و با بیان‌های مختلف و اسلوب‌های گوناگون ایراد کردن است. (همان: ۲۰۳)

۹. سید محمدحسین فضل‌الله

سید محمدحسین فضل‌الله در تفسیر *من وحی القرآن* در تبیین تصریف در قرآن می‌نویسد:

تصریف همان تکرار است که با تنوع در اسلوب و کلمات همراه است و این تصریف و تنوع در بیان و تکرار یک مطلب با روش‌های متعدد و گرداندن یک معنا از حالتی به حالت دیگر، برای دستیابی به مقاصد قرآنی و فراهم نمودن زمینه برای فهم همه افراد صورت می‌پذیرد. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۹ / ۱۰۵ و ۱۴ / ۱۲۷)

۱۰. ناصر مکارم شیرازی

ناصر مکارم شیرازی در معنا و تفسیر آیه «وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ». (طه / ۱۱۳) می‌نویسد:

جمله «صرفنا» اشاره به بیانات مختلفی است که قرآن از یک واقعیت دارد، مثلاً مسئله

وعید و مجازات مجرمان را، گاهی در لباس بیان سرگذشت امت‌های پیشین و گاهی به صورت خطاب به حاضران و گاهی در شکل ترسیم حال آنها در صحنه قیامت و گاه به لباس‌های دیگر بیان می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳ / ۳۱ و ۵ / ۲۴۳)

۱۱. بسیاری دیگر از مفسران در رابطه تصریف و تکرار دیدگاه‌های مشابهی را مطرح نمودند که همگی بیانگر این است که از منظر آنان تصریف در قرآن همان تکرار یک مطلب به شکل‌ها و اسلوب‌های گوناگون است. (جهت آگاهی بیشتر ر.ک: مشهدی، ۱۳۶۸: ۷ / ۴۱۳ و ۵۰۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۵ / ۸۳ و ۱۳۸ و ۲۴۶؛ سیدقطب، بی تا: ۴ / ۲۲۳۰؛ ابن عاشور، بی تا: ۱۴ / ۸۸ و ۱۶۱؛ سبزواری، ۱۴۰۶: ۴ / ۳۱۳ و ۴۶۷؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۷ / ۲۰۹ و ۳۴۰ و ...)

نقد و بررسی دیدگاه‌ها در معنای تصریف در آیات قرآن

با ملاحظه دیدگاه‌های مفسران در معنای تصریف در قرآن، موارد زیر قابل استنباط است:

۱. بسیاری از مفسران در معنای تصریف، آن را مترادف و هم‌معنا با تکرار دانسته‌اند (طبرسی، طباطبایی و آلوسی).
۲. در معنای واژگانی و مفهومی آن، کثرت و تعدد نهفته است (آلوسی).
۳. تصریف در قرآن تنوع‌بخشی در بیان و تکرار یک موضوع در اسلوب‌های متعدد و ارائه یک معنا و مفهوم با تعبیرها و تقریرهای گوناگون است (بیضاوی، طباطبایی).
۴. در آیات قرآن در موضوعات و مفاهیم زیادی مانند: توحید، معاد، قصص انبیاء، اخلاق و مواعظ و ... تصریف صورت پذیرفته است (بیضاوی).
۵. تصریف در قرآن همان تحدی است و وجهی از وجوه اعجاز بیانی است. (رازی، بیضاوی) در خصوص معنا کردن تصریف به تحدی، مقصود، آن نیست که تصریف در حقیقت به معنای تحدی باشد بلکه با توجه به اینکه تصریف آیات در آیه مورد بحث (اسراء / ۸۹) بعد از آیه تحدی آمده است، بر این اساس تصریف، یکی از مصادیق تحدی است و از طریق تصریف آیات در قرآن کریم تحدی صورت گرفته است.
۶. تصریف‌های قرآنی در حقیقت تبیین گوناگون از یک واقعیت و امر واحد است (مکارم شیرازی و خطیب).

۷. تصریف‌ها و تکرارهای قرآنی هرکدام هدف و غرض خاصی را دنبال می‌کنند (بیضاوی). بنابراین در میان دیدگاه‌های تفسیری در مورد تصریف، تکرار و تنوع‌بخشی به بیان یک موضوع و یک واقعیت، در قالب‌ها و حالت‌های مختلف، دیدگاه غالب مفسران است و تصریف خود نوعی از تکرار

است که کلام به صورت‌های متنوع و در شکل‌ها و اسلوب‌های متعدد بازگو می‌گردد تا حقیقت آن آشکار و حجت تمام گردد.

دلایل و حکمت‌های تصریف و تکرار در قرآن

با توجه به وجود تصریف و تکرار در معانی و مفاهیم قرآنی و گوناگونی بیان حق و حقیقت، قرآن خود برخی از حکمت‌های آن را در همان آیات تصریف بیان فرموده است: یادآوری و پندپذیری «لِيَذَكَّرُوا» (اسراء / ۴۱)؛ تفقه در آیات «لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ» (انعام / ۶۵)؛ تقوا و پروای الهی «لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (طه / ۱۱۳)؛ بازگشت به حق «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (احقاف / ۲۷)؛ تبیین حقیقت برای کسانی که می‌خواهند بدانند، «وَلِيُنَبِّئَهُنَّ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (انعام / ۱۰۵)؛ شکرگزاری بندگان «لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ» (اعراف / ۵۸) و

رابطه تصریف و تکرار با فصاحت و اعجاز بیانی

پیشتر گفته شد که تکرار نوعی از تصریف است که کلام به صورت‌های متنوع و در شکل‌ها و اسلوب‌های متعدد بازگو می‌گردد. (بنت‌الشاطی، ۱۳۷۶: ۱۹۷) یکی از اغراض بلاغی تصریف و تکرار قصص و دیگر موضوعات قرآنی، اظهار قدرت اعجاز بیانی کلام وحی و تحدی و اثبات عجز و ناتوانی بشر در آوردن همانند آن است. قرآن کریم گام‌به‌گام مخالفان خود را به مبارزه طلبیده که اگر تصور می‌کنید قرآن ساخته دست بشر است، شما نیز گفتاری همانند آن بیاورید:

قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا. (اسراء / ۸۸)

این هم‌آوردجویی قرآن به همه موضوعات سرایت دارد. قرآن عامدانه و حکیمانه حقایق قرآنی را با اسلوب‌ها و ترکیب‌ها و الفاظ مشابه و متفاوت، در چندین سوره تکرار کرد تا اهل ادب و بلاغت را به عجزشان در برابر قرآن آگاه ساخته و وادار به تسلیم و اعتراف نماید. (خمینی، ۱۳۷۶: ۵ / ۴۳۴)؛ زیرا نقل سرگذشت پیشینیان در قرآن و تصریف و تکرار پی‌درپی آنها در قالب‌ها و اسلوب‌های ادبی، افزون بر اهداف هدایتی و تربیتی، رازهای بلاغی گوناگونی نیز در سایه تحدی آشکار می‌گردد که هرگز از بشر ساخته نیست.

بنابراین با توجه به دیدگاه‌های تفسیری در مورد تصریف و تکرار در قرآن و قرار گرفتن آیه مورد بحث در سیاق آیه تحدی، ارتباط تصریف با اعجاز بیانی به‌روشنی اثبات می‌گردد؛ زیرا قرآن از کفار می‌خواهد که همانند آن را بیاورید و قرآن از یک حقیقت با اسلوب‌ها و وجوه مختلف سخن گفت و آنان

را از آوردن مثل آن عاجز نمود و این در حالی است که آنان نتوانستند حتی یک مورد که با قرآن همانندی کند، ارائه کنند.

با مبارزه طلبی قرآن از مشرکان، به عنوان مثال ممکن بود که آنها در مورد قصص قرآن بگویند: الفاظ فصیح و بلیغ که متناسب با قصه مذکور باشد همان بود که در این قصه به کار گرفته شد و دیگر الفاظ فصیح و اسلوب بلیغ برای تصریف و تکرار آن وجود ندارد، حال اگر می‌توانید خود شما همانند آن را تکرار نمایید که همچنان در اوج فصاحت و اعجاز بیانی باشد. (باقلائی، ۱۴۲۱: ۲ / ۵۰۸) لذا قرآن برای بار دوم، سوم، چهارم، پنجم و ... همان موضوع را به گونه‌ای زیبا، بلیغ، فصیح و در اسلوبی بدیع و الفاظی متفاوت تکرار نمود که هریک از این موارد مکرر در اوج بلاغت قرار دارد و اگر تکرار نمی‌شد چه بسا می‌گفتند که قرآن خود نیز از آوردن مثل آن ناتوان است، پس چگونه از دیگران چنین درخواست دارد! اما تکرار آن قصه‌ها با الفاظی دیگر و در قالب و اسلوب‌های متفاوت ادعای مشرکان را خنثی، و اثبات کرد که این تنها خداست که می‌تواند همانند آن را تکرار نماید و بشر از آوردن مثل آن عاجز و ناتوان است. (زرکشی، ۱۴۱۰: ۳ / ۱۱۰؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۲ / ۱۱۱) و حتی اگر تکرار یک موضوع تا پنجاه بار هم درخواست می‌شد همانند موارد پیشین، فصیح و بلیغ و در نهایت اعجاز تحقق می‌یافت. (خمینی، ۱۳۷۶: ۴ / ۵۱۰) البته قرآن خود این حقیقت را به صورت کلی یادآور شد:

وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ؛
(لقمان / ۲۷؛ کهف / ۱۰۹)

اگر تمام درختان روی زمین قلم شوند و دریا و هفت دریای دیگر، مرکب آن گردند (تا کلمات خدا را بنویسند) هرگز کلمات او پایان نمی‌گیرد.

همچنین در آیه مورد بحث «وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا» (طه / ۱۱۳) تصریف، بعد از بیان عربیت و فصاحت قرآن مطرح گردید و این خود دلیل دیگری است بر رابطه تصریف و تکرار در قرآن با فصاحت و بلاغت آن. کسانی که تصریف در قرآن را مورد اشکال قرار داده و تکرار را موجب آسیب رساندن به اعجاز تصور کرده‌اند یا با زبان عربی آشنایی کافی ندارند یا از دانش بلاغت بی‌بهره‌اند. خدای متعال فرموده است که قرآن به زبان عربی نازل گشته تا در آن بیندیشند: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف / ۲) و واژه «عَرَب» به معنای فصیح سخن گفتن است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ذیل واژه عرب) و عربی بودن قرآن افزون بر اینکه زبان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که در دیگر زبان یافت نگردد. زبان عربی به گواهی آنان که اهل پژوهش در زبان‌های مختلف‌اند، آن‌چنان وسیع است که می‌تواند ترجمان لسان وحی

باشد و مفاهیم و ریزه‌کاری‌های سخنان خدا را بازگو کند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۹ / ۳۰۰) شایسته یادآوری است که در قرآن یازده بار «قرآن» به «عربی» متصف گشته است و معنای عربیت، فصاحت در الفاظ، ترکیب‌ها و اسلوب‌ها است.

نتیجه

در قرآن کریم، تکرار الفاظ و معانی وجود دارد، اما این تکرارها نه تنها ناسازگار با فصاحت و بلاغت نیست بلکه یکی از فنون و محسنات کلام به‌شمار می‌آید و نوعی از تصریف است که یک‌معنا به‌صورت‌های متنوع و در شکل‌ها و اسلوب‌های متعدد بازگو می‌گردد. در قرآن آیاتی وجود دارد که به تصریف در قرآن و گوناگون آوردن یک موضوع در اسلوب‌ها و حالات مختلف تصریح می‌کند. از دیدگاه مفسران تصریف در آیات قرآن همان تکرار است که با اسلوب‌های ادبی و بلاغی بیان می‌گردد که خود وجهی از وجوه اعجاز به‌شمار می‌آید. قرآن خود انگیزه‌های تصریف و تکرار در معانی و مفاهیم قرآنی را تذکر و پندآموزی، فهم حقایق، بازگشت به حق، شکرگزاری و تدبر در قرآن و ... بیان می‌کند.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.

- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دار الکتب العلمیه.

- ابن عاشور، محمدطاهر، بی‌تا، *التحریر و التنویر*، ج ۱۴، بی‌جا، بی‌نا.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، بی‌تا، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.

- ابوزهره، محمد، ۱۳۷۹، *معجزه بزرگ پژوهشی در علوم قرآنی*، ترجمه محمود ذبیحی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چ دوم.

- باقلانی، محمد بن الطیب، ۱۴۲۱ ق، *اعجاز القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیه.

- _____، ۱۴۲۲ ق، *الانتصار للقرآن*، عمان و بیروت، دار الفتح و دار ابن حزم.

- بلاشر، رژی، ۱۳۷۴، *در آستانه قرآن*، ترجمه محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

چ چهارم.

- بنت الشاطی، عائشه، ۱۳۷۶، *اعجاز بیانی قرآن*، ترجمه حسین صابری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، *انوار التنزیل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- جمعی از محققان، *دائرة المعارف قرآن کریم*، ۱۳۸۲، قم، بوستان کتاب.
- خرقانی، حسن، ۱۳۸۸، «قرآن کریم چشمه‌سار زیباشناسی»، پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، تهران، ش ۳، ص ۷۸-۶۷، تهران، جهاد دانشگاهی.
- خطیب، عبدالکریم، ۱۳۹۶ ق، *القصص القرآنی فی منطوقه و مفهومه*، بیروت، دار المعرفه.
- _____، بی تا، *التفسیر القرآنی للقرآن*، ج ۱۰، بی تا، بی جا.
- خمینی، سیدمصطفی، ۱۳۷۶، *تفسیر القرآن الکریم*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ سوم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴، *مفردات الفاظ القرآن*، تهران، مرتضوی.
- رافعی، مصطفی صادق، ۱۴۲۱ ق، *اعجاز القرآن و البلاغة النبویه*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- رضوان، عمر بن ابراهیم، ۱۴۱۳ ق، *آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره*، ریاض، دار طیبه.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم، بی تا، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- زرکشی، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۰ ق، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- زقزوق، محمود حمدی، ۱۴۲۳ ق، *حقائق الإسلام فی مواجهة شبهات المشککین*، مصر، المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی، سوم.
- سالم الحاج، ساسی، ۲۰۰۲ م، *نقد الخطاب الاستشرافی*، بیروت، دار المدار الاسلامی.
- سبزواری، محمد، ۱۴۰۶ ق، *الجديد فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دار التعارف.
- سیدقطب، ۱۴۱۲ ق، *فی ظلال القرآن*، بیروت و قاهره، دار الشروق.
- سیدمرتضی، علی بن حسین، ۱۴۰۳ ق، *امالی*، قم، مکتبه النجفی.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۲۱ ق، *الإیتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دار الکتب العربی، چ دوم.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۸ ق، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، بیروت، دار المعرفه، چ دوم.
- فضل‌الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹، *تفسیر من وحی القرآن*، ج ۹ و ۱۴، بیروت، دار الملائک.
- قاسمی، محمد جمال‌الدین، ۱۴۱۸ ق، *محاسن التأویل*، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۲۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، سال ۹، پاییز ۹۷، ش ۳۵

- قاضی عبدالجبار، بی تا، المعنى فى ابواب التوحيد و العدل، بی تا.

- کرمانی، محمود بن حمزه، بی تا، أسرار التکرار فى القرآن، قاهره، دار الفضيلة.

- مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸، تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ ق، تفسیر کاشف، ج ۵، تهران، دار الکتب الإسلامية.

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية.

- نقراط، عبدالله محمد، ۱۴۲۳ ق، بلاغة تصريف القول فى القرآن، سوریه، دارقنیه.

- هاشمی، سید احمد، ۱۴۱۴ ق، جواهر البلاغة فى المعانى و البیان و البدیع، بیروت، دار الفکر.

